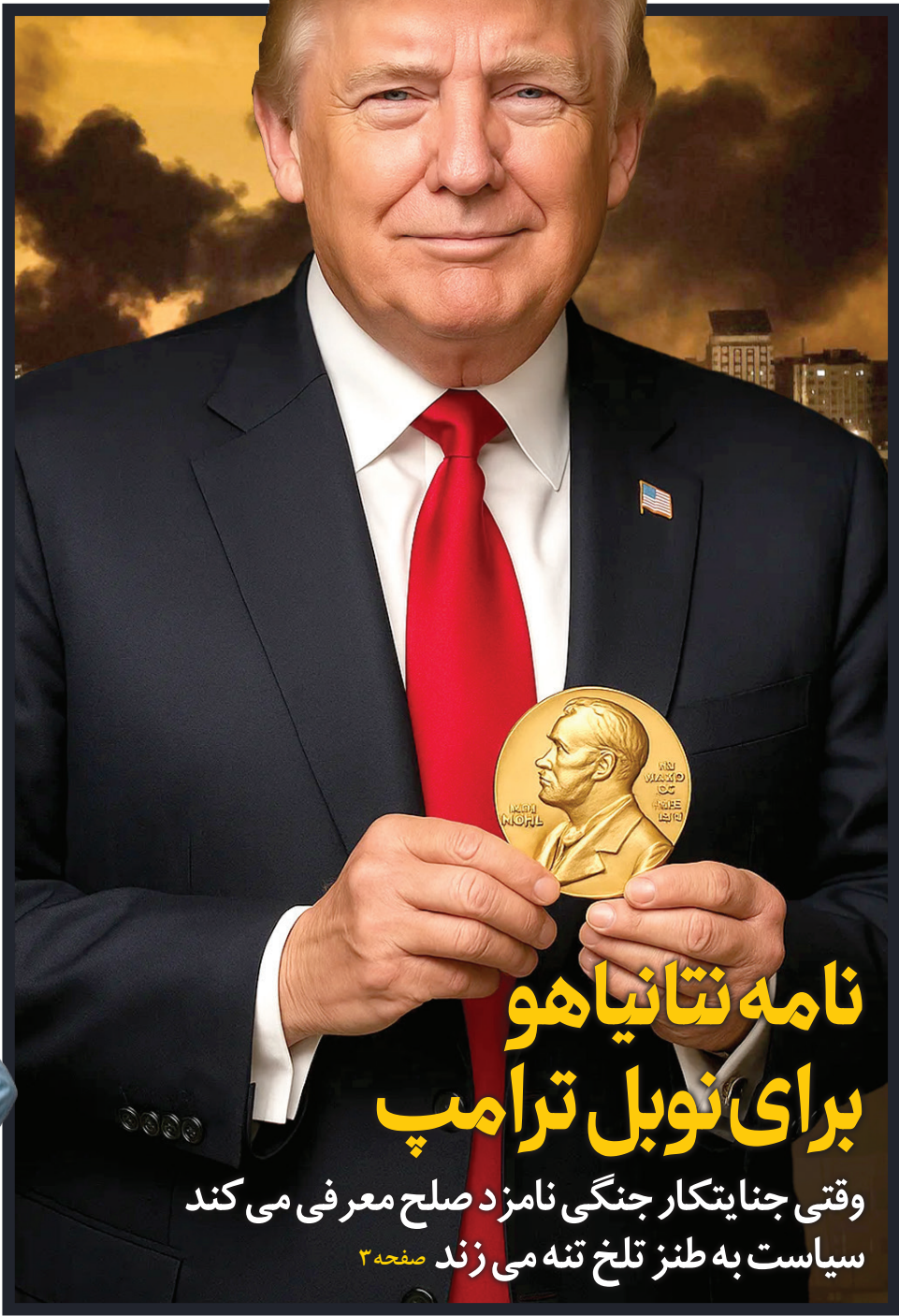


نگاهی به وضعیت ایمنی محیط کار

کارگران

مشغول کارند

آمارها فریاد می‌زنند اما کو گوش شنوا؟ در شش ماهه نخست سال گذشته ۱۰۷۷ کارگر در حوادث شغلی جان باختند. به زبان ساده، هر ماه ۱۸۰ چهره فراموش شده، هر هفته ۴۵ خانواده داغدار و هر روز شش نفر به جسد بی‌جان تبدیل شدند. رقمی که نه تنها ۷،۱۵ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته، بلکه پرده از واقعیتی هولناک برمی‌دارد: جان کارگران ایرانی روزبه‌روز ارزان‌تر می‌شود. ۱۰۷۷ نفری که شاید حدود چندصد خانواده را نان می‌دادند و حالا بعد از آنها، نه قانون از آنها حمایت می‌کند و نه کارفرما احساس دین می‌کند که زندگی خانواده‌های آنها را تأمین کند... **صفحه ۶**



نامۀ نتانیاهو  
برای نوبل ترامپ

وقتی جنایتکار جنگی نامزد صلح معرفی می‌کند  
سیاست به طنز تلخ تنه می‌زند **صفحه ۲**



سقوط بی‌صدای ستاره‌های ایرانی در فوتبال اروپا

اقتصاد ایران گروگان سیاست شده است  
دومینوی چک‌های برگشتی و کسادبازار **صفحه ۲**



چالش‌های اقتباس یا امکان حیات دوباره سینمای ایران  
فرصت بازآفرینی یا تهدید بازنمایی  
دوران طلایی سینمای ایران، یعنی شکل‌گیری موج‌نوی سینما در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ به شدت وام‌دار اقتباس‌های ادبی بوده است **صفحه ۵**

گزارش

قتل سروش ستوده و هشدار پلیس درباره بازار خرید و فروش چاقو و شمشیر

## وقتی قمه قانون می‌خواهد



مرتبط است. در همین زمینه، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ، سردار علی ولیپور، گودرزی نیز از لزوم تدوین قانون مشخص برای ممنوعیت و کنترل چاقوهای بزرگ و قمه‌ها خبر داده است. او می‌گوید: «بسیاری از سارقان خشن در سرت‌ها و زورگیری‌ها از همین سلاح‌های سرد استفاده می‌کنند. این وضعیت نه تنها جان مردم را تهدید می‌کند بلکه حس امنیت را نیز در سطح شهر از بین می‌برد.»

ولیپور گودرزی تأکید می‌کند که اگر چه برخی تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و کلیشه‌ای پیگیری یا چاقوهای بزرگ در مشاغل خاص مانند قصایی یا آشپزخانه کاربرد دارند، اما مرز میان ابزار کار و سلاح باید با دقت روشن شود. به همین دلیل نیز تدوین و تصویب قانونی جامع برای نظارت بر تولید، حمل و استفاده از سلاح‌های سرد در دستور کار قرار گرفته است.

او البته یادآوری می‌کند که این موضوع نباید با تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و کلیشه‌ای پیگیری شود: «طرحی که در دست بررسی است باید بتواند میان کاربرد مشروع و سوءاستفاده از این وسایل تفکیک قائل شود؛ چرا که نمی‌توان همه انواع چاقو را به یک چشم نگاه کرد.»

اکنون نهادهای قانون‌گذار و مجری منتظرند تا طرح مذکور چه زمانی تصویب خواهد شد و آیا می‌تواند مانعی مؤثر برابر زنجیره تولید، توزیع و استفاده از این سلاح‌های مرگبار ایجاد کند یا نه، بر سرش است که تا روشن شدن سرنوشت قاتلان سروش ستوده و دیگر قربانیان، بی‌پاسخ باقی می‌ماند.

موتورسیکلت در کناری از خیابان ولنجک متوقف بود. جوانی به نام سروش ستوده، مربی بدنسازی، بی‌خبر از حادثه‌ای که چند ثانیه بعد در کمینش نشسته بود، مقابل فروشگاه‌ای ایستاده بود. ناگهان دو موتورسوار به او نزدیک شدند و تلفن همراهش را قاپیدند. سروش اما، بی‌درنگ به تعقیب آن‌ها پرداخت؛ تصمیمی که به قیمت جانش تمام شد.

یکی از مهاجمان با چاقویی تیز سه ضربه به گردن و شانه‌اش وارد کرد و او همان‌جا، در محل جنایت جان سپرد. با ورود کارآگاهان اداره آگاهی، بررسی‌های میدانی و بازبینی دوربین‌های اطراف محل حادثه آغاز شد تا رد مهاجمان گرفته شود. پیکر بی‌جان سروش برای بررسی‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شد؛ اما پرسش بی‌پاسخ هنوز این است: چاقویی که جان او را گرفت، از کجا آمده بود و چرا به این راحتی در دسترس بود؟

تقریباً روزی نیست که خبری از درگیری با چاقو یا قمه در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر نشود. تیزی‌هایی که به‌سادگی در خیابان‌ها دست به دست می‌شوند، حالا دیگر فقط ابزار دعوای زورگیری نیستند، بلکه به تهدیدی عمومی برای امنیت شهروندان تبدیل شده‌اند.

ماجرای قتل سروش ستوده، تنها یکی از نمونه‌هایی است که بار دیگر بحث را بر بون بازار سلاح سرد را به صدر اخبار بازگرداند. سروش، مربی ورزش، قربانی خشونت‌هایی شد که مدت‌هاست نسبت به آن هشدار داده شده بود؛ خشونت‌هایی که حالا دیگر فقط محصول خشم یا بی‌احتیاطی نیست، بلکه بخشی از آن نتیجه سکوت قانون در تولید، فروش و حمل سلاح‌های سرد است. هشدارها بارها از سوی رسانه‌ها و حتی مقام‌های انتظامی مطرح شده‌اند؛ اما آن‌طور که پیداست، هنوز پاسخ در خوری داده نشده است.

سرهنگ سعید راستی، رئیس مرکز عملیات پلیس اطلاعات فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در همین باره گفته است: «اینکه چاقو وسیله‌ای ضروری برای خانه یا مغازه است، قابل انکار نیست. اما چاقوهایی که این روزها در کشور به وفور تولید می‌شوند، بسیار فراتر از نیاز آشپزخانه یا قصایی هستند. شمشیر، قمه، پنجه‌بوکس، نیمچه و دیگر ابزارهای خطرناکی که تنها کاربردشان در درگیری و نزاع است، به راحتی در بازار دست به دست می‌شوند.»

راستی با صراحت می‌گوید: «این وسایل در خانه‌ها یا کشتارگاه‌ها کاربردی ندارند، پس چرا چنین حجمی از آن‌ها تولید می‌شود؟ باید مشخص باشد مبدأ و مقصد این ابزارها کجاست و چه کسانی پشت این

معنایی و سوق دادن او به مطالعه کامل متن است. واژه‌هایی مانند «دیپلماسی» به سبب ظاهر نواورانه‌شان، در ذهن مخاطب گره‌ای ایجاد می‌کنند که برای گشودن آن، نیاز به رمزگشایی محتوای متن است. کاربرد «دیپلماسی» دقیقاً در این مسیر حرکت می‌کند. مخاطب با دیدن این واژه ممکن است نخست دچار پرسش شود، اما با ورود به متن و مواجهه با تحلیل سیاسی مبتنی بر تغییر

رسانه‌های جریان اصلی جهان از این تکنیک بهره می‌برند تا مفاهیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در قالب واژگانی نو، طنز و حامل معنای چندلایه عرضه کنند. در جدول زیر تنها تعدادی از پرکاربردترین بلندپنگ‌های رسانه‌ای آمده است: همان‌گونه که روشن است، این واژگان نه حاصل اشتباه تایپی، بلکه نتیجه فرایندی آگاهانه و زبان‌شناسی در خلق معنا و هویت رسانه‌ای ساخته شده‌اند. خوانندگان این واژه‌ها را به سرعت درمی‌یابند، با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، و حتی آن‌ها را به ادبیات روزمره وارد می‌کنند. در ایران نیز یکی از مشهورترین این واژه‌ها «کاریکلتاتور» است که اول بار احمد شاملو روز ۲۱ خرداد ۱۳۴۶ بر نوشته‌های پرویز شاپور گذاشت. این واژه حاصل پیوند دو واژه «کاریکاتور» و «کلمه» است و از منظر شاملو، نوشته‌های شاپور کاریکلتورهایی است که با کلمه بیان شده‌اند. در عصر فن‌آوری اطلاعات و بمباران جامعه با انواع اقسام اطلاعات و اخبار، هنری اگر هست در این قبیل خلاقیتهاست.

### فهم مخاطب و تغییر زبان رسانه

ادعای اینکه مخاطب واژه «دیپلماسی» را به سبب عدم توضیح درک نمی‌کند با آنچه تجربه شد تعارض دارد. واکنش‌های کاربران در توئیتر و تلگرام نشان داد که این واژه به سرعت رمزگشایی شد، استفاده شد، حتی به سوره طنز رسانه‌ای بدل شد. این همان «زندگی اجتماعی واژه» است که معیار موفقیت آن را مشخص می‌کند. واژه «دیپلماسی» نه فقط یک اشتباه تایپی نیست، بلکه مصداقی موفق و سنجیده از یک تکنیک زبانی شناخته‌شده در روزنامه‌نگاری مدرن و علم زیان‌شناسی برای خلق واژگان جدید است. این واژه با تکیه بر قواعد علمی بلندپنگ، مفهومی نو در سیاست‌ورزی معاصر آمریکا را صورت‌بندی می‌کند. مخاطب آن را در یافت و با آن درگیر شد و احتمالاتی را تا انتها خواند. این همان چیزی است که از تیرتیر خوب انتظار می‌رود. البته در صفحه آخر روزنامه مطلبی با سرکلیشه کاریکلتاتور منتشر می‌شود تا نشان دهیم ما از این اشتباهات تاپیی زیاد مرتکب می‌شویم.

| معنای ضمنی                         | اجزای تشکیل دهنده      | واژه نو     |
|------------------------------------|------------------------|-------------|
| نظام سلامت مورد حمایت دولت اوپاما  | Obama + healthcare law | Obamacare   |
| خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا     | Britain + exit         | Brexit      |
| سیاست‌های اقتصادی ریگان            | Reagan + economics     | Reaganomics |
| دیپلماسی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی | Twitter + diplomacy    | Twiplomacy  |
| روابط پیچیده هم‌بیمانی-رفاتی       | Friend + enemy         | Frenemy     |

نو واژگانی در سنت روزنامه‌نگاری مدرن

## «دیپلماسی یا دیپلماسکی» مسئله این نیست

مگر نه این است که روزنامه‌نگار جز واژگان، ماده‌ای و ملای برای نقش‌آفرینی ندارد و چه بسیار واژگان که از سوی روزنامه‌نگاران متولد شده‌اند؟ لذا ضروری‌ست با تکیه بر مبانی زبان‌شناسی ساخت واژه و اصول حرفه‌ای تیرتیرنویسی، توضیحی علمی و مستند برای چرایی انتخاب تیرتر «دیپلماسکی» ارائه شود. ادعای برخی افراد آن بود که استفاده از واژه «دیپلماسکی» احتمالاً اشتباه تایپی برای «دیپلماسی» بوده است، چرا که در متن گزارشی که تیرتر به آن ارجاع می‌دهد، توضیح روشنی درباره این واژه نو ارائه نشده است. این نقد، از اساس، بر پیش‌فرض‌هایی نادرست در حوزه زبان‌شناسی واژه‌سازی و روزنامه‌نگاری مدرن بنا شده است.

### بلندپنگ: ساز و کار مشروع واژه‌سازی

در زبان‌شناسی معاصر، یکی از شیوه‌های پربرسامد و مشروع در تولید واژه‌های نو، بلندپنگ (Blending) است؛ یعنی ترکیب اجزای دو یا چند واژه برای تولید یک واحد معنایی جدید. این تکنیک هم در زبان عمومی و هم در زبان رسانه‌ای و سیاسی رایج است و هدف آن اغلب ایجاد واژه‌هایی فشرده، نمادین، چندلایه و به یادماندنی است.

واژه «دیپلماسکی» به روشنی از ترکیب دو واژه «دیپلماسی» و «ماسک» ساخته شده و حرف «ی» انتهایی در فارسی‌سازی آن جهت روانی در تلفظ کارکرد خود را ایفا کرده است.

این ترکیب نه تنها معنا را مخدوش نمی‌کند، بلکه به گونه‌ای دقیق بر دورای خاص از سیاست خارجی دونالد ترامپ دلالت دارد. دورای که به واسطه نقش‌آفرینی شخصیت‌هایی چون ایلان ماسک، تاجر کارلسون و دیگر چهره‌های دیپلماسی‌خواه، سیاست خارجی آمریکا به‌ویژه در قبال ایران، مبتنی بر حل‌وفصل تنش‌ها بر

### نقش تیرتر در جذب مخاطب و رمزگشایی تدریجی

یکی از اهداف کلیدی تیرتر در روزنامه‌نگاری، برانگیختن کنجکاوی مخاطب، ایجاد تعلیق



تاثیر اتباع غیر مجاز بر اقتصاد ایران

# یار شاطر یا پار خاطر؟

راه حل اخراج کور کورانه یا پذیرش بی ضابطه نیست، بحران

اتباع غیر مجاز ساماندهی هوشمندانه می طلبد

مونا موسوی  
هفت صبح

با نگاهی به نقش پر رنگ اما پر چالش اتباع خارجی در اقتصاد ایران، می توان گفت این گروه در عین حال که بخشی از نیاز بازار کار را در مشاغل سخت و کم درآمد تأمین می کنند، فشار قابل توجهی نیز بر منابع عمومی، بازار مسکن و فرصت های شغلی داخلی وارد کرده اند. از کارگاه های ساختمانی و مزارع کشاورزی گرفته تا حاشیه نشینی در کلانشهرها، حضور گسترده اتباع غیر مجاز به یکی از متغیرهای مؤثر و گاه نابیدار در معادلات اقتصادی کشور تبدیل شده است. در روزهایی که کشور درگیر تنش های امنیتی ناشی از جنگ ۱۲ روزه بود، خبری منتشر شد که نگاهارها به درون مرزها معطوف کرد. پلیس در جریان یک عملیات گسترده، موفق به شناسایی و انهدام تیم هایی شد که در داخل کشور مشغول ساخت پیادهایی برای انجام عملیات خرابکارانه علیه ایران بودند. نکته نگران کننده تر آن بود که برخی از اتباع خارجی نیز در این فعالیت ها نقش داشتند. همین موضوع، رنگ خطر را برای نهادهای امنیتی و اجرایی به صدا در آورد و موجی از اقدامات برای کنترل و ساماندهی وضعیت اتباع خارجی در کشور به راه افتاد.



دسترسی آنان به مسکن مناسب را دشوارتر کرده است. با اجرای طرح های اخراج اتباع غیر مجاز، برخی مناطق تهران شاهد تخلیه هزاران واحد مسکونی بوده اند. خروج بیش از ۸۰۰ هزار نفر از اتباع غیر مجاز از استان تهران، منجر به خالی شدن حدود ۲۰۰ هزار واحد مسکونی شده است. این تحول، بازار مسکن را در مدار کاهش قیمت قرار داده و در برخی محله ها، نرخ اجاره و حتی قیمت فروش واحدهای مسکونی کاهش یافته است. این روند، اگر با سیاست گذاری هوشمندانه و حمایت از تولید مسکن ارزان قیمت همراه شود، می تواند به بهبود وضعیت سکونت افشار کم درآمد و کاهش شکاف های اجتماعی در شهرهای بزرگ منجر شود.

## یارانه تحمیلی اتباع بر اقتصاد

تبدیل شده که به طور مستقیم بر بودجه عمومی، عدالت اجتماعی و فرصت های شغلی شهروندان ایرانی تأثیر می گذارد.

بازار مسکن تحت تاثیر اتباع غیر مجاز از سوی دیگر، حضور گسترده اتباع خارجی در مناطق حاشیه ای شهرهای بزرگی مانند تهران، تأثیر محسوسی بر بازار مسکن گذاشته است. در سال های اخیر، بسیاری از این افراد به دلیل نداشتن مدارک قانونی و محدودیت های اقتصادی، به اجاره خانه در مناطق کم برخوردار روی آورده اند. این تمرکز جمعیتی، در کنار کمبود عرضه مسکن ارزان قیمت، باعث افزایش تقاضا، رقابت شدید در بازار اجاره و در نهایت رشد قیمت ها شده است. در برخی مناطق، موجران به دلیل توان مالی بالاتر خانوارهای پر جمعیت مهاجر، ترجیح می دهند واحدهای خود را حتی با نرخ هایی بالاتر از عرف منطقه به آنان اجاره دهند. این روند، خانوارهای ایرانی با درآمد پایین را در رقابت برای اجاره مسکن به حاشیه رانده و

دقیق، واقع بینانه و مبتنی بر داده های میدانی قابل دستیابی است. یکی از راهکارهای پیشنهادی کارشناسان، ایجاد نظام مجوزدهی شفاف و قابل رصد برای اتباع خارجی است؛ به گونه ای که تنها افرادی که از نظر هویتی، اقامتی و شغلی قابل شناسایی هستند، اجازه فعالیت در کشور را داشته باشند. این نظام می تواند با بهره گیری از فناوری های نوین، سامانه های ثبت نام دیجیتال و همکاری میان نهادهای مختلف، از ورود و اشتغال غیرقانونی جلوگیری کند و در عین حال، نیازهای واقعی بازار کار را نیز پاسخ دهد. در کنار آن، باید به توانمندسازی نیروی کار داخلی نیز توجه ویژه ای داشت. بسیاری از مشاغلی که امروز در اختیار اتباع خارجی قرار دارد، به دلیل شرایط سخت، دستمزد پایین یا نبود آموزش های تخصصی، برای نیروی کار ایرانی جذاب نیست. با سرمایه گذاری در آموزش های فنی و حرفه ای، بهبود شرایط کار و ارائه مشوق های مالی به کارفرمایان برای جذب نیروی بومی، می توان این شکاف را به تدریج پر کرد.

همچنین، لازم است نگاه به مسئله اتباع خارجی از سطح برخوردهای صرفاً انتظامی فراتر رود و به یک سیاست جامع مهاجرتی تبدیل شود. سیاستی که هم به دغدغه های امنیتی و اقتصادی پاسخ دهد و هم از منظر انسانی، حقوق اولیه مهاجران قانونی را به رسمیت بشناسد. در این میان، همکاری منطقه ای و بین المللی نیز می تواند نقش مؤثری در مدیریت بهتر جریان مهاجرت ایفا کند.

در نهایت، تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که مدیریت مؤثر مهاجرت، نه با انکار واقعیت ها و نه با راه سازی کامل مرزها، بلکه با ترکیبی از قانون مدنی، شفافیت، حمایت از نیروی کار داخلی و تعامل سازنده با جامعه مهاجران ممکن می شود. ایران نیز در این مسیر، نیازمند نگاهی تازه، سیاستی منسجم و اراده ای مشترک میان نهادهای حاکمیتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. تنها در این صورت است که می توان از چالش امروز، فرصتی برای توسعه پایدار فردا ساخت.

چالش و راهکارهای سیاست گذاران سیاست گذاران با چالشی دوگانه مواجه اند: از یک سو باید پاسخگوی نیازهای فوری بازار کار در برخی بخش های اقتصادی باشند که به نیروی کار ارزان و در دسترس وابسته شده اند و از سوی دیگر، موظف اند از منافع ملی، فرصت های شغلی جوانان ایرانی و منابع عمومی کشور صیانت کنند. این تعادل، تنها با تدوین و اجرای سیاست هایی

لازم است نگاه به مسئله اتباع خارجی از سطح برخوردهای صرفاً انتظامی فراتر رفته، به یک سیاست جامع مهاجرتی تبدیل شود. سیاستی که هم به دغدغه های امنیتی و اقتصادی پاسخ دهد و هم از منظر انسانی، حقوق اولیه مهاجران قانونی را به رسمیت بشناسد

این تحول، قیمت ها را در بازار مسکن کاهشی کرده است

اقتصاد ایران گروگان سیاست شده است

## دومینوی چک های برگشتی و کساد ی بازار

حمید سلیمانی  
هفت صبح

اقتصاد ایران به سختی نفس می کشد. این موضوع را هم می توان در گزارش های رسمی مراکز پژوهشی معتبر همچون مرکز پژوهش های مجلس و اتاق های بازرگانی تهران و ایران دید. هم در آماری که بانک مرکزی و مرکز آمار ایران از وضعیت سرمایه گذاری و رشد بافت تولید ناخالص داخلی ارائه می دهند. با این حال، ناب ترین و دست اول ترین تحلیل ها را باید در صحبت های کسبه کوچه و بازار دید. آنهایی که معتقدند بار ناترازی های دولت، عموماً به دوش آنها افتاده و در انفسایی که مردم، مدام از خرید ملزومات و نیازهای زندگی خود می زنند، باید مالیات دولت را سروقت پرداخت کنند، حق بیمه را در پایان ماه به حساب تأمین اجتماعی بریزند، اجاره محل کار یا بنگاه یا فروشگاه خود را سروقت پرداخت کرده و چک هایی که دست مردم دارند را هم پاس کنند.



بسیاری از کسبه که با چک های برگشتی دست و پنجه نرم می کنند طبق قانون جدید حسابشان مسدود می شود. آنها برای تداوم کار و کسب شان به ناچار برای همسر و دیگر اعضای خانواده دسته چک می گیرند و مشکلات اقتصادی حساب آنان را نیز مسدود می کند. کار به جایی می رسد که فقط یک نفر باقی می ماند و همه با یک حساب مشترک کار می کنند.

بازار، جس هاشون فروش بره و چک هاشون پاس شه. شب عید اما اوضاع بد به هم ریخت. دلار هر روز به قیمت داشت و بالای ۱۰۰ تومن هم رفت و همین باعث شد که مردم، خرید چندانی نداشته باشن. حتی تولیدی های لباس بیگانه هم رودست خوردن. اینها فکر می کردن مردم از خرید برای خودشون هم بزنن، برای بچه هاشون کم نمی ذارن ولی امسال فروش لباس بچه هم خیلی پایین بود. «همین باعث شد چک خیلی از کاسب ها و تولید کننده ها پاس نشود. «وقتی چک برگشت بخوره، اعتبار از بین میره و اون وقت، فقط باید نقدی کار کنی که خیلی خیلی کار رو سخت می کنه». حاجی ادامه می دهد «بازار عین دومینو است، وقتی فروشنده به مشکل بخوره و چک هاش پاس نشه، همین جوری چک پشت چکه که برگشت می خوره. اول فروشنده، بعد می رسه به تولیدی، بعد به ما که خرج کار می فروشیم یا اونایی که پارچه می فروشن و همین جور برو تا بالا. مردم دست شون خالیه، ندارن.»

افزایش ۳۹ درصدی برگشت چک در سال جاری

آخرین امار اعلامی در کشور هم، سخنان فعالان بازار را تأیید می کند. آمار بانک مرکزی از آمارهای چک های وصولی و برگشتی در فروردین سال جاری نشان از این امر دارد که در تمام استان های کشور تعداد چک های برگشتی نسبت به فروردین سال گذشته افزایش داشته است. در این مدت تعداد چک های برگشتی کل کشور رشد داشته و به میزان ۳۹.۱ درصد در فروردین امسال نسبت به مدت مشابه در سال گذشته افزایش پیدا کرده است. این اتفاق نشانه ای از وضعیت نامطلوب کسب و کارها در ابتدای سال جاری است. در واقع وقتی درآمذایی کسب و کارها و بنگاه های اقتصادی مطابق با انتظارات نباشد، این گروه ها متحمل ضرر شده و در نتیجه موجب می شود تا چک های آنها بیش از گذشته برگشت بخورد.

سیاست انتظار و انتظار

کشور چند صباحی است که در حالت انتظار به سر می برد. انتظار به نتیجه رسیدن گفت و گوها میان ایران و ایالات متحده همزمان با افزایش بی سابقه فشار بر کشورمان باعث شده که کارها گره بخورد. این انتظار البته به بدنه جامعه نیز تزریق شده است. وقتی پای صحبت های فعالان اقتصادی می نشینید، متوجه می شوید که روند سرمایه گذاری در کشور متوقف شده و همه، روزها را با روزمرگی خاصی پشت هم می گذارند تا شاید از مسقط یا رم یا اسلودود سفیدی از جلسات مذاکرات بیرون بیاید. در این میان، بزرگترین بازنده البته اقتصاد کشور است که گروگان سیاست شده و امید دارد با پایان تنش هایی که حتی به جنگ ۱۲ روزه هم رسید، اندکی مجال تنفس پیدا کند و دوباره جریان سرمایه را به مثابه خونی در رگ هایش تجربه کند.

فروردین امسال نسبت به مدت مشابه در سال گذشته در تمام استان های کشور تعداد چک های برگشتی به میزان ۳۹.۱ درصد افزایش پیدا کرده است











## شناور بر امواج امید

داکا، پایتخت بنگلادش، در حالی که سایه تهدید اقلیمی و غرق شدن زیر آب بر آن سنگینی می کند، با معماری های نوآورانه و انقلابی سیاسی، آینده‌ای جسورانه را ترسیم می کند



داکا، شهری که در دل‌ای گنگ و در آستانه خلیج بنگال نفس می‌کشد، با چالش‌هایی عظیم روبه‌روست. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تا اواسط قرن حاضر، حدود ۲۰ درصد از خاک بنگلادش زیر آب خواهد رفت. با این حال، این کشور نه‌تنها تسلیم نشده، بلکه با ساخت‌وسازهای خلاقانه و تحولات بزرگ سیاسی، در حال بازتعریف نقش و حضور خود در آینده است. از دانشگاهی شناور تا مسجدی استوار در مقابل سیل، داکا به جهانیان نشان می‌دهد که امید می‌تواند حتی در برابر امواج ویرانگر، سکوی پرتابی برای پیشرفت باشد.

### معماری برای بقا

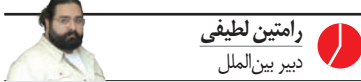
بنگلادش که به دلیل موقعیت جغرافیایی و تراکم بالای جمعیت (حدود ۱۷۰ میلیون نفر در سال ۲۰۲۳) یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای جهان در برابر تغییرات اقلیمی است، راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت و طراحی‌های پایدار را در پیش گرفته. پردیس جدید دانشگاه برک (BRAC University) که در سال ۲۰۲۴ در قلب داکا افتتاح شد، نمونه‌ای برجسته از این تلاش‌هاست. این سازه ۱۳ طبقه، طراحی شده توسط شرکت سن‌گاپوری «ووها»، به دلیل قرارگیری بر حوضچه‌ای که سیلاب‌های طوفانی را جمع‌آوری و تصفیه می‌کند، «دانشگاه شناور» لقب گرفته است. فضای سبز این پردیس که مساحتی معادل ۱.۲۷ برابر مساحت ساختمان را پوشش می‌دهد، همراه با پنل‌های خورشیدی در پشت‌بام، نه‌تنها انرژی تولید می‌کند، بلکه نیاز به خنک‌کننده‌های مصنوعی را کاهش داده

### ینگه دنیا

## امپراتوری صداها

در جهانی که تیراز روزنامه‌ها نصف شده و مخاطبان تلویزیون رو به افول‌اند، پادکست‌ها با

بیش از نیم میلیارد شنونده، به تاج و تخت رسانه‌ها چشم دوخته‌اند



رامتین لطیفی  
دبیر بین‌الملل

سال ۲۰۰۴، بن هم‌زلی، ستون‌نویس گاردین، در جست‌وجوی واژه‌ای برای توصیف نسل نوینی از برنامه‌های صوتی آنلاین بود که به‌جای استودیوهای رسمی، در اتاق خواب و گاراژ ساخته می‌شدند. او واژه «پادکست» را از ترکیب «آپاد» و «پروداکست» (پخش وسیع) ساخت و بی‌آنکه بداند، آغازگر انقلابی رسانه‌ای شد. دیری نپایید که آدام کیوری و دیو وینر با پادکست «متن‌باز» نام خود را به‌عنوان پیشگامان این موج نو ثبت کردند. همان سال، «این هفته در فناوری» اولین جایزه پادکست سال را برد. کمی بعد، جورج بوش از این مدیوم برای ارتباط مستقیم با شهروندان آمریکایی بهره گرفت و استیو جابز هم با افزودن قابلیت پادکست‌سازی به نرم‌افزارهای اپل، آن را به دست میلیون‌ها نفر رساند. واژه «پادکست» آنقدر جدی گرفته شد که آکسفورد در همان سال آن را واژه سال معرفی کرد.

### صدای پادکست، صدای مردم

پادکست‌ها در سکوت، قاره‌ها را درنوردیدند. بنابر آخرین گزارش ادیسون ریسرچ، بیش از ۵۲۰ میلیون شنونده ثابت در جهان به‌صورت منظم به پادکست گوش می‌دهند. آمریکا با حدود ۱۷۵ میلیون شنونده، پرچمدار این جریان است؛ به‌طوری‌که ۶۰ درصد بزرگسالان آمریکایی گفته‌اند در ماه گذشته دست‌کم یک پادکست شنیده‌اند. در قیاس با دیگر رسانه‌ها، این ارقام خیره‌کننده است. تنها در بازه ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۴، تعداد شنوندگان پادکست در آمریکا دو برابر شده، حال آنکه تیراژ روزنامه‌ها در همان دوره به نصف رسیده و مخاطبان تلویزیون‌های سنتی نیز سقوطی بی‌سابقه را تجربه کرده‌اند.

### کیوسک

فایننشال تایمز انگلیس، تیتز اصلی خود را به بازگشت تفرقه‌های ترامپ اختصاص داد، تفرقه‌هایی که دوباره موجب سقوط بازار سهام آمریکا شدند و اعمال‌شان تا سه هفته بعد به تعویق افتاد.

لاکراس فرانسه، تیتز و عکس اصلی خود را به نفوذ رو به رشد اعضای اخوان‌المسلمین در فرانسه، به‌رغم هشدارها و اقدامات دولت امانوئل مکررون برای جلوگیری از این موضوع اختصاص داد.



اما دولت موقت در تلاش است با اصلاحات ساختاری، این صنعت را تثبیت کند. این رشد اقتصادی مبتنی بر صنعت نساجی که نرخ فقر را از ۴۳.۵ درصد در ۱۹۹۱ به ۱۴.۳ درصد در ۲۰۱۶ کاهش داد، همواره با چالش‌های اقلیمی و زیرساختی همراه بوده است. به همین دلیل، بنگلادش سرمایه‌گذاری‌های کلانی در پروژه‌های اقلیمی انجام داده و سالانه حدود ۳ میلیارد دلار برای سازگاری و مدیریت بلایا تخصیص می‌دهد.

### انقلاب ۲۰۲۴: توفانی برای تغییر

در تابستان ۲۰۲۴، بنگلادش شاهد انقلابی بود که به «انقلاب مونسون» یا «جولای ۳۶» معروف شد. این جنبش که ابتدا با اعتراضات دانشجویی علیه سهمیه‌های شغلی دولتی آغاز شد، به سرعت به قیامی علیه دولت اقتدارگرای شیخ حسینه، نخست‌وزیر وقت، تبدیل شد. حسینه که از ۲۰۰۹ قدرت را در دست داشت، با سرکوب مخالفان، دستکاری انتخابات و نقض حقوق بشر، کشور را به سوی دیکتاتوری سوق داده بود. در جولای ۲۰۲۴، سرکوب شونتبار معترضان توسط نیروهای امنیتی که منجر به کشته شدن حداقل ۸۵۸ نفر شد، خشم عمومی را شعله‌ور کرد. در ۵ اوت، حسینه مجبور به استعفا و فرار به هند شد و دولت موقت به رهبری محمد یونس، برنده جایزه نوبل صلح، قدرت را در دست گرفت. این انقلاب که برخی آن را «استقلال دوم» بنگلادش نامیدند، نه‌تنها به دنبال اصلاحات سیاسی، بلکه به امید ساخت آینده‌ای عادلانه‌تر و پایدارتر بود. یونس قول داده است که اصلاحات اساسی در نهادهای حکومتی، از جمله پلیس و قوه قضائیه، انجام دهد و حقوق بشر را تقویت کند.

### نساجی: سکوی پرتاب بنگلادش

بنگلادش که زمانی یکی از فقیرترین کشورهای جهان بود، با الهام از مدل صنعتی بریتانیای قرن نوزدهم، صنعت نساجی را به موتور محرک اقتصاد خود تبدیل کرد. این بخش که بیش از ۸۰ درصد صادرات کشور را تشکیل می‌دهد و حدود ۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کند، بیش از ۱۲ میلیون نفر را به کار گرفته است. با این حال، سال ۲۰۲۴ برای این صنعت چالش‌برانگیز بود. کمبود گاز ال‌ان‌جی، ناشی از آسیب به یکی از پایانه‌های شناور خلیج بنگال و طوفان رمال، تولید را مختل کرد و برخی کارخانه‌ها را به کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت رساند. اعتراضات سیاسی و سیل‌های گسترده نیز صادرات را با کسری مواجه کرد

### آینده‌ای در افق

بنگلادش، با وجود تهدیدات اقلیمی و چالش‌های اقتصادی، از پای نشسته است. این کشور که زمانی به دلیل فقر و بلایای طبیعی شناخته می‌شد، اکنون به الگویی برای سازگاری و نوآوری تبدیل شده است. از باغ‌های شناور کشاورزی تا مدرسی که روی آب حرکت می‌کنند، بنگلادش دانش بومی و فناوری مدرن را ترکیب کرده تا زندگی همچنان اصل و اساس شهر و ندانش بماند. در حالی که آب‌ها بالا می‌آیند، بنگلادش ثابت کرده است که می‌توان روی امواج، آینده‌ای روشن ساخت.



### امپراتورهای اسپاتیفای

پلتفرم‌های شنیداری نقشی محوری در محبوبیت پادکست‌ها ایفا کردند. اسپاتیفای اکنون محبوب‌ترین بستر پادکست در آمریکا است؛ جایی که نزدیک به ۴۰ میلیون شنونده آمریکایی از آن برای دنبال کردن برنامه‌های صوتی استفاده می‌کنند. پس از آن، اپل پادکست و گوگل پادکست در رتبه‌های

بعدی‌اند. در صدر جدول پرشنونده‌ترین‌ها، همچنان جو روگن ایستاده است. پادکست گفت‌وگو محور او، با حضور مهمانان جنجالی چون دونالد ترامپ، کامالا هریس، ایلان ماسک، ادوارد اسوندن، برنی سندرز و تالسی گابارد، به طور متوسط ۱۱ میلیون شنونده زنده دارد و گاه تا ۵۰ میلیون بار در هفته بازپخش می‌شود اما روگن تنها چهره این امپراتوری نیست. پادکست‌های دیگری چون «قاتل محبوب من» (ژانر جنایی)، «معتادان جنایت» (واقعی-تحلیلی)، «برنامه من شب‌پرو» (سیاسی)، «او را صدا کن بابا» (کمدی-اجتماعی) و «کلاب شی‌شی» (ورزشی) هر کدام میلیون‌ها مخاطب وفادار دارند.

### پادکست؛ عرصه نو سیاست و تبلیغات

در رقابت‌های انتخاباتی اخیر آمریکا، پادکست‌ها به رقیب اصلی تلویزیون تبدیل شدند. در حالی که شبکه‌هایی مانند سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی برای مصاحبه با کامالا هریس و ترامپ ناکام بودند، این پادکست‌ها بودند که به خانه جدید چهره‌های سیاسی تبدیل

### چهار روز



مایکل داگلاس، ستاره هالیوود و تهیه‌کننده برجسته، با حضوری به‌یاد ماندنی در جشنواره فیلم کارلووی واری، از دنیای بازیگری خداحافظی کرد. او که به همراه پدرش، کرک داگلاس افسانه‌ای، جایگاهی ویژه در تاریخ سینما دارد، در مراسم ۵ ژوئیه برای بزرگداشت نسخه مرمت‌شده «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» در این جشنواره حضور یافت. این فیلم که داگلاس تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشت، در سال ۱۹۷۵ برنده پنج جایزه اسکار شد و از شاهکارهای سینمایی به‌شمار می‌رود. داگلاس در این مراسم علاوه بر تاختن به ترامپ و دولت‌ش، با دریافت نسخه به‌روزرسانی‌شده جایزه «گوی بلورین»، از حس خود به عنوان تهیه‌کننده سخن گفت. او که با نقش آفرینی در فیلم‌هایی چون «وال استریٹ»، «جاذبیت مرکب‌ار»، «بازی» و «غریزه اصلی» به شهرت رسید، اعلام کرد قصد بازگشت به بازیگری ندارد و بازیگرانی را برگزیده است. جشنواره کارلووی واری، ایستگاه پایانی کارنامه‌ای درخشان برای این اسطوره سینما بود که نسل‌ها را تحت تأثیر قرار داد.

### عکس روز

## روسیه، ارمنستان و بازی تازه در قفقاز

اوکراین اسنادی منتشر کرده که از افزایش حضور نظامی روسیه در ارمنستان خبر می‌دهد؛

مسکو می‌خواهد در قفقاز بماند، حتی اگر ایران نخواهد



این روند باشد. رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان نیز اعلام کرده در این مسیر از تلاش‌های ایران برای صلح با باکو حمایت خواهد کرد. با تضعیف روابط ارمنستان و روسیه و هم‌زمانی افزایش تنش‌های دیپلماتیک با آذربایجان، بسیاری این اقدام مسکو برای تقویت پایگاه نظامی‌اش را نه تنها حرکتی تاکتیکی، بلکه پیامی سیاسی تلقی می‌کنند: کرملین، قفقاز را همچنان بخشی از حوزه نفوذ سنتی خود می‌داند. حتی اگر دولت‌های منطقه دیگر تمایلی به این حضور نداشته باشند. پایگاه گیومری بزرگ‌ترین مرکز نظامی روسیه در قفقاز جنوبی است؛ با حدود ۵ هزار نیرو، جت‌های جنگنده میگ-۲۹ و سامانه پدافند هوایی اس-۳۰۰. اما در چشم بسیاری از ارمنیان، این حضور نه حافظ امنیت، بلکه یادآور وابستگی است؛ وابستگی‌ای که اکنون، دولت پاشینیان تلاش دارد از آن رها شود. مسکو اما انگار قصد ندارد به این آسانی عقب‌نشینی کند.

در منطقه قریه‌باغ راه‌اندازی شد اما در عمل، در سال ۲۰۲۳ و هنگام حمله برق آسای باکو برای بازپس‌گیری کامل قریه‌باغ، هیچ مداخله‌ای نکرد. در سال ۲۰۱۰، ایران و مسکو توافق کرده بودند که این پایگاه تا سال ۲۰۴۴ در خاک ارمنستان باقی بماند. اما در سال ۲۰۲۴، ارمنستان به‌طور بی‌سابقه‌ای مشارکت خود را در پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه (CSTO) به حالت تعلیق درآورد؛ اقدامی که به‌وضوح نشانه ناراضایی دولت نیکول پاشینیان از عملکرد مسکو بود. نخست‌وزیر ارمنستان اکنون با هدف خروج از انزوای منطقه‌ای، در حال مذاکره برای عادی‌سازی روابط با ترکیه و آذربایجان است. گشایش دوباره مرز با ترکیه، که از سال ۱۹۹۳ به‌دلیل حمایت انکارا از باکو بسته بود، می‌تواند نقطه عطفی در

درست وقتی که ارمنستان تلاش می‌کند خود را از زیر سایه مسکو بیرون بکشد و راهی برای آشتی با همسایگانش بیابد، کی‌یف مدعی شده که روسیه بی‌سروصدا در حال تقویت بزرگ‌ترین پایگاه نظامی‌اش در خاک ارمنستان است؛ پایگاهی در شهر گیومری، نزدیک مرز ترکیه که حالا بار دیگر به نقطه‌ای حساس در نقشه ژئوپلیتیکی قفقاز تبدیل شده است. روز ۵ ژوئیه، سازمان اطلاعات ارتش اوکراین (HUR) مدعی شد روسیه در حال افزایش نیروهایش در پایگاه ۱۰۲ گیومری است؛ اقدامی که به گفته کی‌یف، بخشی از راهبردی بزرگ‌تر برای «بی‌ثبات‌سازی امنیت جهانی» است. ارمنستان در واکنش اولیه این ادعا را رد کرد اما چند روز بعد، سازمان اطلاعات ارتش اوکراین، سندی منتشر کرد که گفته می‌شود «دستور رسمی فرمانده نیروهای ناحیه جنوبی ارتش روسیه» برای «تکمیل فوری» یگان‌های مستقر در گیومری است. در این سند که از طریق تلگرام منتشر شده، آمده است یگان‌هایی از ارتش‌های ترکیبی شماره ۸، ۴۹، ۵۸ و روسیه مأمور انتخاب نیروهای واجد شرایط برای اعزام به ارمنستان شده‌اند. در این فرمان، معیارهای مشخصی برای آمادگی حرفه‌ای، پایداری روانی و آمادگی رزمی قید شده و جذب افراد دارای سابقه در قاچاق مواد مخدر یا روانگردان‌ها به‌صراحت ممنوع شده است. اطلاعات نظامی اوکراین معتقد است مسکو با این اقدام، در حال اجرای بخشی از «راهبرد کلان کرملین» برای تقویت تنش‌های قومی و نظامی در قفقاز جنوبی است. در همین راستا، روسیه حتی به وخامت روابط خود با آذربایجان نیز دامن زده است؛ از مرگ مشکوک دو شهروند آذربایجانی در بازداشت پلیس روسیه تا سقوط یک هواپیمای مسافری خطوط آذربایجان در دسامبر گذشته که باکو آن را کار مسکو می‌داند.

شهر گیومری با جمعیتی بیش از ۱۰۰ هزار نفر، تنها سه‌ونیم کیلومتر با مرز ترکیه فاصله دارد. پایگاه ۱۰۲ ارتش روسیه در دهه ۱۹۹۰ به‌منظور حفاظت از مرزهای ارمنستان با ترکیه و مقابله با تحرکات احتمالی آذربایجان

### ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



### برد پیت، تام کروز و راز جدایی از

«فورد در برابر فراری»

برد پیت، ستاره برنده اسکار، در گفت‌وگویی جذاب با نشانال پرده از ماجرای کناره‌گیری خود و تام کروز از فیلم موفق «فورد در برابر فراری» برداشت. این دو غول هالیوود سال‌ها پیش برای ایفای نقش‌های اصلی این فیلم، یعنی «کن مایلز» (راننده جسور) و «کارول شلی» (طراح افسانه‌ای خودرو)، انتخاب شده بودند. پیت با لیخن‌دی شیطنت‌آمیز فاش کرد که او عاشق نقش مایلز بود اما کروز وقتی فهمید شلی در فیلم کمتر فرصت رانندگی دارد، از پروژه کنار کشید. پیت با خنده درباره این موضوع گفت «تام عاشق سرعت و هیجان است، مثل خود من!». در نهایت، کریستین بیل و مت دیمن این نقش‌ها را بازی کردند و فیلم در سال ۲۰۱۹ با فروش بالغ بر ۲۲۵ میلیون دلار و تحسین منتقدان درخشید. پیت که در هفته‌های اخیر در فیلم «فرمول ۱» در نقش «سانی هیز»، راننده‌ای بازنشسته که برای مربیگری به پیست بازمی‌گردد، خوش درخشیده، از اشتیاقش برای همکاری دوباره با کروز گفت. او در مصاحبه‌ای طنزآمیز با ای‌نیزور روی فرش قرمز «فرمول ۱» اظهار کرد: «اگر تام بخواهد فیلمی روی زمین بسازد، من هستم! اما اویزان شدن از هواپیما؟ اون کار خودشه!» این اشاره به بدلکاری‌های معروف کروز در «مأموریت غیرممکن» خنده حضار را برانگیخت. گفتنی است، آخرین همکاری این دو به «صاحب‌با خون آشام» در سال ۱۹۹۴ بازمی‌گردد، فیلمی که هنوز هم طرفداران خاص خود را دارد. کارگران این فیلم نیز به اعلام کرده که قصد داشت این دو ستاره را پس از سال‌ها دوباره کنار هم ببیاورد، اما کمبود بودجه مانع شد. طرفداران حالا منتظرند ببینند آیا این همکاری رویایی سرانجام محقق می‌شود یا خیر.

### تیروزن



درخشید. پیت که در هفته‌های اخیر در فیلم «فرمول ۱» در نقش «سانی هیز»، راننده‌ای بازنشسته که برای مربیگری به پیست بازمی‌گردد، خوش درخشیده، از اشتیاقش برای همکاری دوباره با کروز گفت. او در مصاحبه‌ای طنزآمیز با ای‌نیزور روی فرش قرمز «فرمول ۱» اظهار کرد: «اگر تام بخواهد فیلمی روی زمین بسازد، من هستم! اما اویزان شدن از هواپیما؟ اون کار خودشه!» این اشاره به بدلکاری‌های معروف کروز در «مأموریت غیرممکن» خنده حضار را برانگیخت. گفتنی است، آخرین همکاری این دو به «صاحب‌با خون آشام» در سال ۱۹۹۴ بازمی‌گردد، فیلمی که هنوز هم طرفداران خاص خود را دارد. کارگران این فیلم نیز به اعلام کرده که قصد داشت این دو ستاره را پس از سال‌ها دوباره کنار هم ببیاورد، اما کمبود بودجه مانع شد. طرفداران حالا منتظرند ببینند آیا این همکاری رویایی سرانجام محقق می‌شود یا خیر.



پیشنهاد فیلم



## «کودک و فرشته»، کودک گم شده مسعود نقاش زاده

# بازسازی واقعیت از جهان کودکانه جنگ

◀ خرمشهر، نمادی از وطن بی پناه

مسعود نقاش زاده در این فیلم، با نگاهی اخلاقانه و متناظر با نالیسمی جبریتانگیز، لحظات آتش و هراس آغاز جنگ را تحمیلی را از زاویه دید چند کودک و نو جوان در چهانیهایی که دیگران خود را تنها، بی پناه و کم گمشده در چهانی می بیند که تا امتیاز دیزوریز بر خود را نیست و حلاله برای حفظ جان خود و دیگران، باید اسلحه دست بگیرند و بجنگند. کارگردان فیلم با انتخابی هوشمندانه، خوشه هراس و ناله به منایه مکانی صرف که همچون نمادی از وطن زخمی و بی پناه به تصویر کشیده است، هر شته قهرمان نو جوان اخلاقانه با نگاهی به تنه و سرش را از رازان در گریود واقع هشتناک روزهای آغازین بمباران شهر، به جستجوی تنها بازمانده خانواده اش می رود. این تجسس عبث گرچه ظرفه اخلاقی او احساسی بی خواهر برای یافتن آخرین پناه زندگی اش به نظر می رسد، ولی به سفردی نمادین برای کرد چهانی ناگهان می خور و بی طرف قاعده شده از سوی دیگر یافتن امنیت، هم برادر و معنای دوباره زندگی بی بدل می شود.

## ◀ ادای دین به رنج تنهایی انسان در جنگ

هرگز برنده نیلم، نه در اجرای نسبتاً موفق صحنه‌های جنگی که در سبکسوت، ناگهان و لطمه‌هایی نهفته است که کاملاً از آن‌ها خدو و کشش جایگزین شده. همان کودکان این تجربه و تنها مانده‌ای که با امید و شجاعتی نوبافته در خیابان‌های آشغال شده، در ناگهان میان اجساد یا ویرانه‌ها سرگردان و حیرانته فیلم «کودک و فرشته» در واقع درگیر آید این صرف به پدید آمدن نیست، بلکه می‌کوشد چنین تنهایی انسان را در محاصره بازوی‌های ناخشنود نشان بدهد. تمام عیران آن کودکان که از صحنه چپ‌چپ می‌روند مانند افراتی نیست، چشمت یک فرمانده یا زرمند، روایت نمی‌کند، بلکه این‌بار جنگ را به‌رحب بنگاهی که در جهان دور ریل فلسفی تصویر می‌نمود. که هنوز به معجزه در جهان ایمان دارد، خود خانواده‌ای می‌فهمد و خاک‌پرازی

◀ نقش آخرین بازماندگان

فیلم ما آن که ساختاری ساده و خطی دارد اما از معنای بالایی برخوردار است. خوش بختانه فیلمساز در روایت خود به دام استانی منتالیسم نمی افتد. اگرچه اولین پرده خود را فرشته با لباسی که طرح بر تنش نگه داشته (وقتی به خانه برمی گردد، به معنای خودخواهانه اش تکه شده است)، ولی او به سرعت واقعیت تلخ و تازه زندگی را شرامی پذیرد و دل سوزی دیگران - و مخاطب را پس می زند. به دایره یار صحنه پر کردن شباهت با توسط خواهران (که از هم می ترسند) و دختران می گوید «ای گن باین وضعی که پیش آمده، ممکن است شاید هزارین نفر همین وضع را تجربه کرده باشند» «کی گفته؟ بریم که چی؟ هر کی این جابه کاری داره. بی خود که نمونندیم.» با وجودی که او به قصد یافتن برادرش، برای ماندن می تلاش می کند اما ناخواسته بر همین نقش زنان در جنگ نیز صحنه می گذارد و از قضا صحنه ای که به عنوان یکی از آخرین بار ماندگان زن در شبانه روزی از صحنه می شود.

## تاریخی که بازسازی نشد روایت شد

لحظه‌های فیلم به شدت مینی‌مال و گویا هستند و با فرمی مستند طراحی و اجرا شده‌اند تا تماشاگر حس کند در برشی واقعی از تاریخ

سمیه خاتونی  
هفت صبح



در سال‌های اخیر، بحث اقتباس ادبی در سینمای ایران بار دیگر به عنوان یک مسیر مهم برای احیای خلاقیت در فیلمنامه‌نویسی و تولید آثار سینمایی، به طور جدی در محافل فرهنگی و رسانه‌ای مطرح شده است. این بازگشت به ادبیات، در بستری از تکرار الگوها، فقر محتوایی و روکرد در داستان‌پردازی سینمایی، نویدبخش نگاهی نو به روایت‌های اصیل و انسانی است که پیش‌تر در قالب رمان‌ها و داستان‌های برجسته به منصفه ظهور رسیده‌اند.



## چالش‌های اقتباس یا امکان حیات دوباره سینمای ایران

# فرصت بازآفرینی یا تهدید بازنمایی

دوران طلایی سینمای ایران، یعنی شکل‌گیری موج نومی سینما در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ به شدت وام‌دار اقتباس‌های ادبی بوده است

❖ **تیلور ادبیات معاصر، ماندگاری سینما**  
 در مورد ریز تاریخ سینمای ایران نشان می دهد که در طول طایفه سینمای ایران، عنصری شکل گیری موج نوی سینما در دهه های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ به شدت با وام گرفتن اقتباس های ادبی بوده است. کارگردانان بزرگ هم چنین فرمان را از یادش نبردند و در دوره سینما تقلید می یابند.

❖ **پرسی تطبیقی رمان با فیلم**  
 وجود ضایعات فروش کتاب و دیده شدن آثارشان، از محصول ادبیات سینمایی راضیات کار ندارند. آن ها معتقدند که روح اثر، در فرایند اقتباس از رمان می رود و شخصیت ها، فضا و مضمون های بین فاشانه و چندپایه داستان شان، به تصویرهای تک بعدی در پرده سینما تقلیل می یابند.

❖ **بررسی تطبیقی رمان با فیلم**  
 در مورد ریز تاریخ سینمای ایران نشان می دهد که در طول طایفه سینمای ایران، عنصری شکل گیری موج نوی سینما در دهه های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ به شدت با وام گرفتن اقتباس های ادبی بوده است. کارگردانان بزرگ هم چنین فرمان را از یادش نبردند و در دوره سینما تقلید می یابند.

➤ **تأثير دوگانه سینما و ادبیات**

در دین حال، این فرایند دو ناله می‌تواند به نفع هر دو منجر باشد؛ بنابراین غنی‌مایه‌ی گسترش و مستحکم‌رویی ادبیات غنی‌مایه‌ی ادب و ادبیات بیان گسترش مخاطبان کتاب، جان تازه‌ای می‌گیرد. نمونه‌ی موفق آن، فیلم «شبه‌های روشن» می‌نویسنده‌ی کارگردانی سعید عقیقی و کارگردانی فرزاد مؤتمن است که اقتباسی از داستان مکتوب خوانده شده‌ی داستایوفسکی به همین نام است. پس از ساخت

**دستور کار؛ بازگشت به اقتباس ادبی**

**❶** باز آفرینی اثر مبداء، اقتباس موفق یکی از مهم ترین و خردمندانه‌ترین شیوه‌های اقتباس سینمایی موفق، بازآفرینی اثر مبدأ است. صرف بازنمایی داستان یا یک زمان در مدیوی دیگر، بدون ارائه زاویه دیدی نو، تجربه‌ای تکراری و سطحی خواهد بود. در آثار اقتباسی کلاسیک جهانی، مانند اقتباس‌های اکیرا کوروساوا از ژانر شکسپیری یا نمونه‌هایی از برگمان و بونوئل، نوعی بازآفرینی خلاقانه به چشم می‌خورد؛ جایی که مؤلف دوم، یعنی فیلم‌ساز موفق می‌شود متن اول را از زاویه‌ای جدید و منظر متفاوت بازآفرینی کند.

**❷ چهار دهه، اقتباس، چهار دهه وفاداری**

❖ اقتباسی که موفق نبود

۵- شمسی سراغ از ارباطی معین عقیق مدار ادبیات و سینما و ادبیات گرایان و معاصر غالباً در پیچیده سطحی نگری، تقلیل گرایی و حذف وجه و وجه دیگر متون مبدا هستند. در همین راستا، بررسی موردی فیلم «ربا صدام کن»، اقتباسی از زمان تحریک شده فرهاد حسن زاده، بار دیگر اهمیت درس عمیق و وفادارانه در فرایند اقتباس را پیش چشمی می آورد.

یہ عنوان یک ضرورت هنری، بلکہ بہ عنوان یک

رواحل جدی برای خروج از بن‌بست محتوایی سینمای تجاری نیز مطرح است. نهادهایی همچون انجمن سینمای جوان، در قالب دوره‌های مطالعاتی و فراخوان‌های پژوهشی، این موضوع را به یکی از محورهای اصلی خود تبدیل کرده‌اند. همچنین فیلمسازانی چون نگار آبرار با پروژه‌هایی چون «سووشون» و «ایمانداد خمار» و بهمن فرمان‌آرا با «چشم‌هایش»، نشان داده‌اند که بازگشت به ادبیات در حال تبدیل شدن به یک جریان جدی و فرآیند در سینمای ایران است.

چالش نویسنده و کارگردان: اصالت و

اقتباس

با این حال، اقتباس ادبی همواره با چالشی بنیادین مواجه بوده است؛ فاصله بین ذهنیت مولف اول و نگاه اقتباسی کارگردان. بسیاری از نویسندگان با









[illegible]



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار  
 زیر نظر: شورای سردبیری  
 مدیر هنری: وحید غفاری  
 دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور  
 دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث:فاطمه شیخ علیرزاده  
 دبیر بین الملل: رامتین لطیفی  
 دبیر صفحه آخر: کیوان وارثی  
 ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کللی

### اجازه ما بگیریم ؟



#### علیرضا آذر

هفت صبح

ویکتور هوگو با شتاب فراوان در کلاس را باز کرده هم از اینکه دیر رسیده شرمندگی محسوسی دارد هم از اینکه شاهد ماجرای بیرون از مکتب بوده هیجانی و هم آلود صورتش را گرفته. استاد «فریه معلومات» متوجه هیجان و تیک های زیر پوستی ویکتور شده است. از طرفی هم نمی خواهد او را برای تاخیر مواخذه نکند و از سویی نظم مسبوق به سابقه ویکتور و حال دگرگونش اجازه نمی دهد ترش رویی فراوانی داشته باشد. از این رو به نگاه کردن به ساعت جیبی اش اکتفا نموده و با آرامشی مخصوص سبیلش را می چرخاند و می گوید: هوگو چه شده ؟

ویکتور سعی می کند ماجرای زد و خورد در محله جنوبی شهر را که شاهدش بوده و اتفاقا منجر به قتل خیابانی شده را باز گو کند. استاد از او می خواهد که ریز به ریز ماجرا

را بگوید. هوگو با کمی من و من می گوید: استاد یه صحنه دیدم... هنوز صداهاش تو گوشمه همین پایین تر از مترو ی جنوب . داشتیم از کوچه ای رد می شدم، که دیدم دو تا جوون با صورت های خشمگین، افتادن به جون یه پسر لاغر، دعوا ناموسی بود. یکی ششون یه بطری شیشه ای تو دستش داشت... هی می چرخوندش... قل قل قل قل... صداش مثل زنگ خطر تو گوشمه. اون یکی تیزی کشید، صدای تیغه اش رو آسفات کشیده شد. یه زرز بدی داد، مثل خشم بریده.

پسره گفت: «دستتو پس بکش بخدا من کاری با اون نداشتم...!»

اما صداش نازک بود، خش داشت، مثل وقتی می خوای بغضت نتر که.

بعد یه جیج بلند، تو تاریکی دم صبح صدای پرواز دو تا پاکریم.

یکی داد زد: «بزنش!»

بعدش فقط صدا بود... پت پت کتونی ها رو سنگ فرش، تق! ترک! تق تق! یه صدای

فلزی، انگار پرت شد توی سطل آشغال.

یکی از اون دوتا گفت: «تمومه...»

رفتن، اما هنوز صدای هیس هیس نفس هاشون تو کوچه مونده بود.

استاد فریه معلومات: داستان غم انگیزی تعریف کردی ویکتور. بهش فکر نکن. دوران عجیبیه و این درگیری ها طبیعیه ، سعی کن عادت کنی ولی میدونی ناخواسته یه درس درست و حسابی با فرض های عالی رو تدریس کردی ؟

کسی می دونه موضوع درس چی بود؟

کانت دستش رو بالا آورد و گفت : آقا اجازه ما بگیریم ؟

استاد از زیر عینک نگاهی کرد و گفت : بگو ولی این باعث نمیشه صادر نکردن مانیفست ها رو از یاد ببرم.

کانت: صدای سر خوردن سوت چاقو روی آسفات با هیس هوا که بین دندونا می پیچه، بعدش یه فریاد: «پس بکش!» و بعد، پت پت پت... صدای دویدن رو سنگ فرش خیس . نفس نفس ها، بغض گرفتگی صدا، قل قل

## کل اتقا

### گدایی بادلار!

اگر یک روز وقتی در پشت چراغ قرمز چهارراه در انتظار ایستاده اید و حساب دخل و خرجتان را می کنید ناگهان بشنوید کسی می گوید: به من عاجز فقیر مستحق زن و بچه دار فقط یک دلار نا قابل کمک کنید!

تعجب نمی فرمایید ؟

دیروز وقتی پشت چراغ قرمز چهارراه ایستاده بودم با همین گوش های خودم شنیدم که یکی از همین گداها که تعدادشان از گلدان هایی که شهرداری در سر چهار راهها کاشته است اگر بیشتر نباشد کمتر هم نیست تقاضای یک دلار

کمک دارد!

بنده خدا فکر کرده حالا که نرخ همه چیز به نرخ دلار وابسته است و بهای کالاها، ارزی سنجیده می شود چرا دلاری گدایی نکنیم؟!

ولی با تمام این حرف ها بنده از آن وقت توی این فکر هستم که دلار مورد تقاضای گدای مربوطه را با کدام یک از سه نرخ موجود آن حساب کنم که نه زحمات رئیس کل بانک مرکزی در راستای (!) جمع آوری نقدینگی زیر سوال برود و نه گدای مزبور دست خالی برگردد!



صدایش بلند نبود. شبیه زمزمه ای در گوش گذشته. من فقط گاهی به نشانه تایید سر تکان می دادم. پرده برای او فقط روایت یک فیلم نبود؛ دروازه ای به زمانی دیگر بود، به روز هایی که هنوز «او» بود.

فیلم تمام شد. تماشاگران یکی یکی رفتند. ولی او نشست بود. بی حرکت. چسبیده به صندلی. خیره به پرده ای که حالا فقط تیتراژ سیاهوسفید پخش می کرد.

گفتم: فیلم تمام شد، نمی خواین برین؟

آهسته گفت: همیشه تا آخر تیتراژ می نشست. می گفت موسیقی آخرش قشنگ تر از خود فیلمه.

سکوت کرد. تیتراژ تمام شد. چراغ ها روشن شدند.

او بلند نشد. فقط لیخندی زد و گفت: نمی دونی چقدر خوشحال شدم امشب دوباره با دخترم فیلم دیدم.

بعد، آرام بلند شد. نگاهی به صندلی کناری انداخت، با همان دستان لرزان دستی به پشتی آن کشید... و رفت. صندلی خالی ماند. اما شاید برای او، خالی نبود.

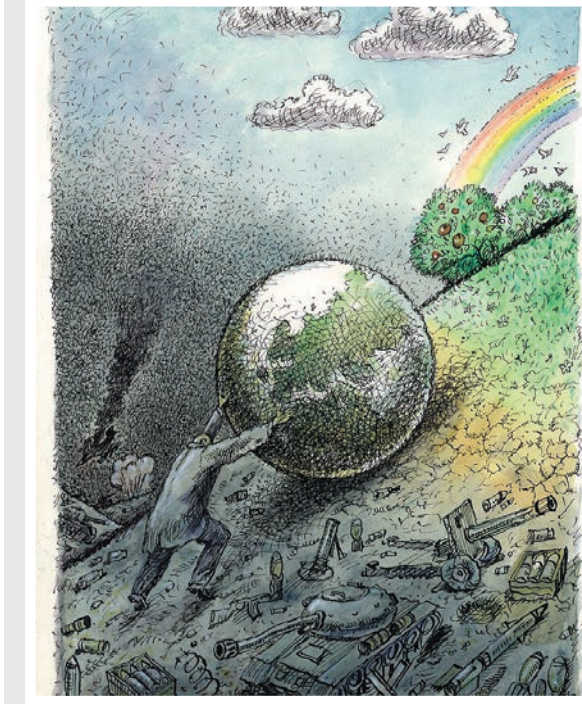
لیخند محوی زد؛ از آن لیخندهایی که بیشتر در چهره می ماند تا بر لب. گفت: شماره صندلیم رو پیدا نمی کنم... فکر کنم باید همین جا باشه.

کمکش کردم. صندلی اش را پیدا کردیم. کنار دستش یک صندلی خالی بود. نشست، اما لحظه ای مکث کرد. دستی با انگشتان باریک و لرزان به لبه صندلی کناری کشید و گفت: اینجا... دخترم باید اینجا می نشست.

فیلم که شروع شد، چشمانش به پرده بود، اما انگار چیز دیگری می دید؛ چیزی دورتر از تصویر و نور. نگاهش غبار داشت، نه از اشک، که از خاطره. شروع کرد به حرف زدن. نه با من؛ با خاطره ای که کنارش نشسته بود.

با هر سکانس، آهسته چیزی می گفت: این صحنه رو دخترم خیلی دوست داشت... همیشه می گفت: «کاش زندگی هم اینقدر ساده بود.»

یا: این جاش که موسیقی شروع میشه... همیشه اشک می ریخت، حتی بار صدم.



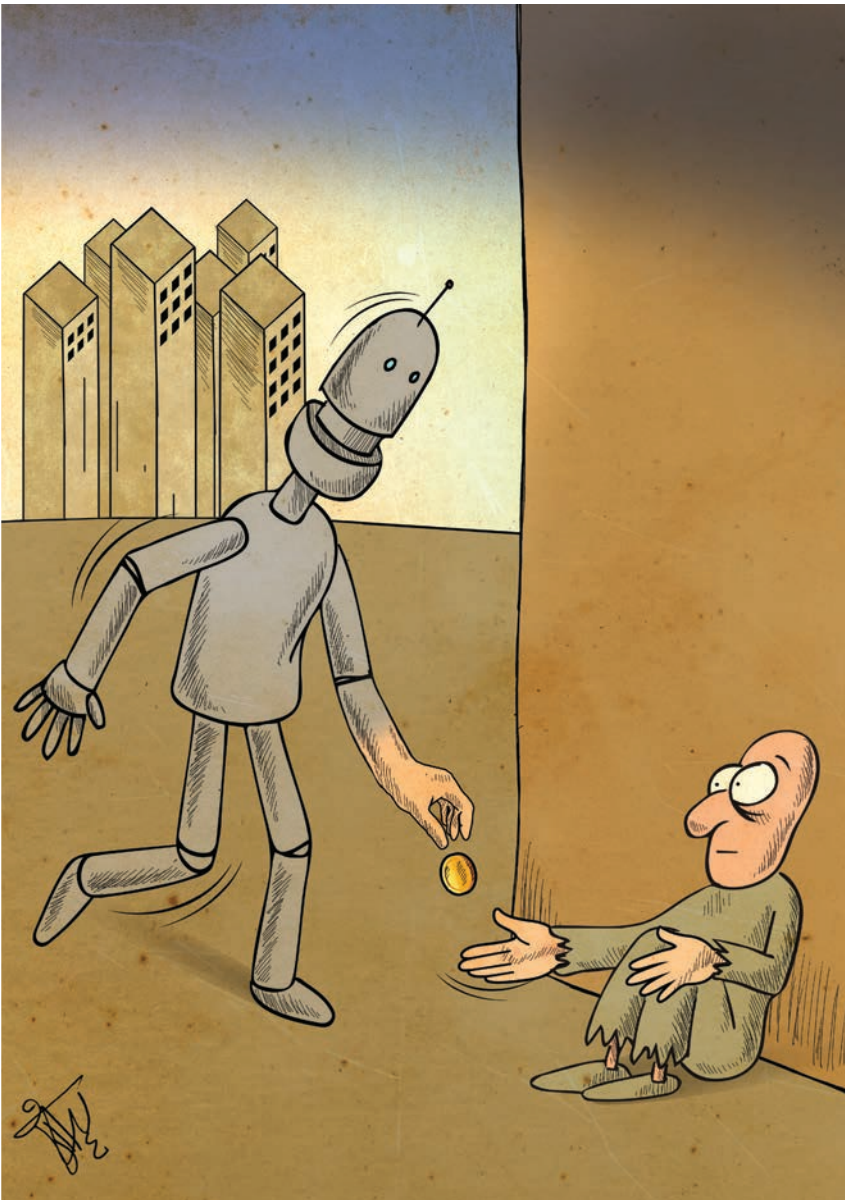
پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع وقابل پیگیری قانونی است  
 pr@7sobh.com  
 www.7sobh.com

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع وقابل پیگیری قانونی است

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱  
 شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷  
 توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم  
 اذان صبح: ۰۳:۱۱ | طلوع آفتاب: ۰۴:۵۶ | اذان ظهر: ۱۲:۰۹ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۲ | اذان مغرب: ۱۹:۴۳

### سخن تصویری

طرح: کیوان وارثی



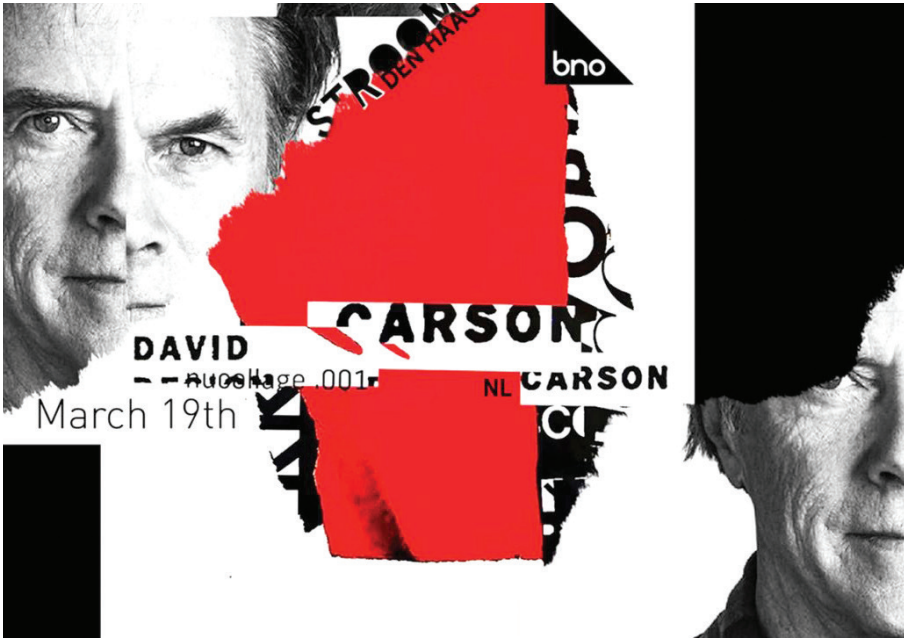
### کاریکلماتور

### به یاد ندارم نابینایی به من تنه زده باشد

پرویز شاپور

پرویز شاپور (۵ خرداد ۱۳۰۲ – ۱۵ مرداد ۱۳۷۸) نویسنده ایرانی بود. شهرت او به دلیل نگارش «کاریکلماتور»، نوشته های کوتاه (اغلب تک خطی)، است که سبکی شاعرانه و طنز آمیز دارند. او علاوه بر آفرینش «کاریکلماتور»، در طراحی سیاه قلم نیز فعالیت داشت. او فعالیتش را در دهه ۳۰ زندگی آغاز کرد و در ۴۶ سال بعدی آثار کم حجم ولی پر محتوایی برجای گذاشت. آثارش در ۱۲ جلد منتشر شده اند.

### طراحان و آثار ماندگار



Ray Gun، او مصاحبه ای با خواننده معروف Bryan Ferry را با فونتی نامتعارف چاپ کرد که عملاً غیر قابل خواندن بود، زیرا احساس کرده بود محتوای مصاحبه کسل کننده است!

این نوع طراحی که معمولاً به سبک پسامدرن یا «گرانج» گرافیک نسبت داده می شود، با واکنش های بسیار متفاوتی روبه رو شد. برخی از منتقدان، کارسون را نابغه ای جسور دانستند که فرم و محتوا را به شیوه ای جدید در هم آمیخته، در حالی که دیگران او را متهم به بی نظمی و آشفتگی بصری کردند. اما چیزی که مسلم است، تأثیر عمیق او بر نسل های بعدی طراحان است.

کارسون در کتاب هایش مثل The End of Print که بسیار پرفروش شد، فلسفه طراحی اش را شرح داده. او باور دارد که طراحی باید احساس برانگیز باشد، حتی اگر خوانایی در اولویت دوم قرار بگیرد. او می گوید: «اگر احساسی در کار نباشد، طراحی فقط تزئین است.»

طراحی های کارسون در تبلیغات، مجلات، جلد آلبوم ها و حتی پروژه های هنری شخصی اش به چشم می خورد. او با برندهای بزرگی مانند Nike، Pepsi، Microsoft و Levi's همکاری داشته، اما همیشه سبک شخصی خودش را حفظ کرده است.

دیوید کارسون ثابت کرد که طراحی گرافیک فقط انتقال اطلاعات نیست، بلکه می تواند احساس، واکنش و حتی شوک ایجاد کند.

او مرز میان نظم و هرج و مرج را جابه جا کرد و به ما نشان داد که طراحی می تواند نوعی بیان هنری بی قانون باشد.

## شکستن قواعد سنتی طراحی و ایجاد سبکی کاملاً شخصی



#### مریم بهرادان

هفت صبح

دیوید کارسون یکی از بحث برانگیزترین و در عین حال تأثیرگذارترین طراحان گرافیک معاصر است. او به خاطر شکستن قواعد سنتی طراحی و ایجاد سبکی کاملاً شخصی و جسورانه شناخته می شود. طراحی های کارسون اغلب غیر قابل پیش بینی، به هم ریخته و حتی گاهی «غیر خوانا» توصیف می شوند، اما همین ویژگی ها باعث شد که او به چهره های متمایز در دنیای گرافیک تبدیل شود.

کارسون در سال ۱۹۵۵ در تگزاس به دنیا آمد و تا مدت ها فکر نمی کرد مسیر زندگی اش به طراحی ختم شود. در واقع، او ابتدا معلم دبیرستان و سپس موج سوار حرفه ای بود. علاقه اش به هنر و طراحی در دهه ۱۹۸۰ شکوفا شد، زمانی که بدون آموزش رسمی در گرافیک، وارد دنیای طراحی مجلات شد.

او در اوایل دهه ۹۰ میلادی به عنوان طراح و مدیر هنری مجله موسیقی Ray Gun به شهرت رسید. سبک طراحی اش در این مجله انقلابی بود. او از تایپوگرافی آزاد، ترکیب های رنگی عجیب، بریدگی تصاویر و چیدمان های نامعمول استفاده می کرد که کاملاً با استانداردهای طراحی آن زمان در تضاد بود. در یکی از شماره های معروف